

# سازمانهای بین المللی

قسمت اول

هنری. ج. اسخرمرز<sup>(۱)</sup>

ترجمه: علی قاسمی

عضو هیئت علمی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری

## I - طبقه بندی سازمانهای بین المللی

### ۱- سازمانهای غیردولتی

۱- تاکنون تعداد زیادی از سازمانهای بین المللی توسط افراد تاسیس شده اند اشخاصی که منفعت یا حرفه مشترک دارند احساس نیاز می کنند تا سازمانهایی بوجود آورند که از طریق آنها بتوانند یکدیگر را ملاقات نمایند. برای اینکه این سازمانها از شخصیت حقوقی برخوردار باشند، باید براساس قانون یک کشور تاسیس شوند. برهر سازمان قانون کشور تاسیس کننده قابل اعمال خواهد بود. از نظر قانون وضعیت آنها با سازمانهای دیگری که براساس آن قانون تاسیس شده اند، تفاوتی ندارد.

---

۱ - هنری ج. اسخرمرز استاد و رئیس سابق دانشکده حقوق دانشگاه لیدن هلند و عضو کمیسیون اروپایی حقوق بشر بوده و این مقاله را در کتاب

۲- "سالنامه سازمانهای بین‌المللی" تقریباً ۵۰۰۰ سازمان غیردولتی را فهرست کرده است یکی از این سالنامه‌ها حاوی شرح مختصر و نشانی‌ها است. بسیاری از سازمانهای غیردولتی رابطه خاصی با یک یا چند سازمان دولتی دارند.

۳- اکثر سازمانهای غیردولتی وظیفه خاصی دارند و در انجام آن، در زمینه خاصی دانش تخصصی کسب می‌نمایند برای مثال، انجمن حقوق بین‌الملل و فدراسیون تنیس بین‌المللی از این نمونه می‌باشند. سازمانهای غیردولتی دیگر مانند اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) و اتحادیه بین‌المللی (IPU) در زمینه‌های وسیعی فعالیت دارند.

۴- طبق حقوق بین‌الملل همه سازمانهایی که توسط افراد خصوصی تاسیس شده‌اند، به عنوان سازمانهای غیردولتی طبقه‌بندی می‌شوند. حتی اگر آنها وظایف دولتی انجام دهند. مثلاً سازمان پلیس جنائی بین‌المللی (INTERPOL) وظایف مهم دولتی انجام می‌دهد و کمیته صلیب سرخ بین‌المللی (ICRC) نیز براساس حقوق بین‌الملل فعالیت می‌کند، ولی هر دوی آنها سازمانهای غیردولتی هستند که توسط افراد خصوصی تاسیس شده‌اند.

۵- تعریفی از سازمانهای غیردولتی که مقبولیت عام داشته باشد، وجود ندارد. به یک معنا شرکتهای بین‌المللی یا حتی شرکتهای مادر و شرکتهای وابسته یا موسسات خارجی نیز سازمانهای بین‌المللی می‌باشند.

۲- سازمانهای دولتی

الف) ویژگیها

I - ترکیب

عزیمانی سازمان بین‌المللی به عنوان یک سازمان دولتی یا سازمان بین‌المللی عام تلقی می‌شود که

با توافق بین الدول تاسیس شده باشد. به جز در موارد استثنایی (مانند دفتر کشاورزی مشترک المنافع که در آن توافق بین الدولی از تحولات تاریخی ایجاد شده است. یا در شورای نوردیک (Nordic council) که توافق بین الدولی از تصمیمات مشابه مجالس ملی بوجود آمده است) که شرط بین الدولی در معاهده بیان شده باشد. این معاهده معمولاً اساسنامه سازمان نامیده می شود و باید شرایط معمولی معاهدات را دارا باشد. کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات ۱۹۶۹، بدون اینکه به قواعد خودسازمان لطمه ای وارد کند، در خصوص آنها اعمال می شود.

۷- اساسنامه سازمان است که سازمان دولتی را از غیردولتی متمایز می سازد. همانطور که در پاراگراف چهارم مقاله حاضر ذکر شده است بعضی از سازمانهای غیردولتی وظایف دولتی انجام می دهند و در مقابل ممکن است یک سازمان دولتی برای اهداف تجاری تاسیس شود، برای مثال اکتشاف و پرتاب ماهواره. از لحاظ نظری ممکن است بهتر باشد که سازمان های دولتی و غیردولتی براساس وظایف خود تفکیک شوند، ولی چنین تفکیکی در عمل مشکل است. مزیت تفکیک براساس فعالیت سازمان وضوح آن است. در اینصورت هر کسی به آسانی می تواند تشخیص دهد که آیا سازمان بین المللی با توافق بین الدولی تاسیس شده است یا نه.

## II - نقش

۸- مفهوم یکسانی راجع به نقشی که سازمانهای بین المللی ممکن است در حقوق بین الملل ایفا کنند، وجود ندارد. براساس یک نظر افراطی، طرفداران آن معتقدند که انسانها به دولتها تقسیم شده اند و این دولتها هستند که واحدهای نظام بین المللی را بوجود آورده اند، و دیگر جایی برای سایر موضوعات در حقوق بین الملل باقی نمی ماند. آنگاه سازمانهای بین المللی به عنوان وسیله ای برای همکاری بین دول می باشند. در اینصورت آنها دارای شخصیت حقوقی نیستند و تصمیمات

آنها در واقع اقدامات جمعی گروهی از دولتها است. سازمانهای بین المللی نمی توانند تمهیداتی بر دول تحمیل نمایند و دولتها همواره در انصراف از عضویت در سازمانهای بین المللی دارند، آزاد می باشند.

۹- در یک نظر افراطی دیگر، طرفداران آن قبول ندارند که دولتها لزوماً و تنها واحدهای طبیعی می باشند که در آنها انسانها باید به واحدهای کوچکتری تقسیم شوند. آنها معتقدند که انسان به عنوان یک واحد فقط برای ضرورت عملی در کارآیی حکومت، به واحدهای کوچکتر تقسیم می گردد. منوط به وظایف دولتی، تقسیمات کوچک تر ممکن است به صورت شهرستان، ناحیه، استان، ایالت یا گروهی از ایالتها باشند، صرف نظر از اینکه کدامیک بالاترین کارآیی را داشته باشند. از این نقطه نظر سازمان بین المللی یک واحد بزرگتر است و بنابراین از نظر سلسله مراتب واحدی بزرگتر از دولت می باشد. اصولاً لازم است که دول مکلف به انجام یا عدم انجام فعالیت های خاصی شوند، یا از حق وضع قواعد برای شهروندان خود برخوردار باشند.

۱۰- هیچیک از دو نظریه فوق الذکر کاملاً با وضعیت موجود جهان امروز مطابقت ندارد، گرچه جهان امروز به نظریه اولی نزدیک تر است تا به نظر دومی. اساساً اکثر سازمانهای بین المللی چیزی بیش از مکانی که دولتها در آنجا همکاری می کنند، نیست. فقط تعداد بسیار کمی از سازمانهای بین المللی نظیر جامعه اروپایی می باشند که گرایش به آن دارند تا به شکل فراتر از دولت رشد یابند و بر اعضای خود اعمال کنترل نمایند. اما هر چند که ممکن است از نقطه نظر وضعیت حقوقی ضعیف باشند، ولی عملاً بسیاری از سازمانهای بین المللی اختیارات دولتی شان را دارند. برای مثال هنگامی که "اتحادیه پست جهانی" (UPU) قواعدی راجع به حداقل اندازه نامه ها وضع می کند، دولتها نمی توانند اندازه های دیگری بکار ببرند ضرورت اینکه نامه های یک دولت توسط سایر دول عضو

دریافت می‌شود، هر دولتی را مجبور می‌نماید که آن قواعد را محترم شمارد. گرچه این وظایف از نظر تعداد محدود می‌باشند، ولی آنها باید به سطحی از مقبولیت عمومی برسد که سازمانهای بین‌المللی خودداری شخصیت حقوقی باشند. سازمانهای بین‌المللی و دولتها با یکدیگر موضوعاتی را تشکیل می‌دهند که موجب نظم حقوقی بین‌المللی است.

## ب - انواع سازمانهای بین‌المللی

### I - سازمانهای جهانی در مقابل سازمانهای بسته

۱۱ - بعضی از سازمانهای بین‌المللی در جستجوی عضویت جهانی می‌باشند. گرچه سازمانهای بین‌المللی وجود ندارند که همه دول جهان در آن عضویت داشته باشند، اما هدف بعضی از سازمانهای بین‌المللی این است که قواعدی برای همه جهان وضع نمایند و تا آنجا که ممکن است عضویت‌شان را گسترش دهند. این سازمانهای بین‌المللی، به عنوان سازمانهای بین‌المللی جهانی معروفند.

۱۲ - مهمترین سازمانهای بین‌المللی جهانی، سازمان ملل متحد، شانزده سازمان تخصصی که براساس مقررات ماده ۱۶ منشور ملل متحد با این سازمان در ارتباط می‌باشند، و سه سازمان دیگر مرتبط با ملل متحد هستند. این سازمانها موافقت‌نامه‌های متقابل دارند و براساس آن فعالیت‌هایشان را هماهنگ می‌نمایند. گاهی این سازمانها به سازمانهای سیستم ملل متحد یا خانواده ملل متحد اطلاق می‌شوند.

۱۳ - سازمانهای بین‌المللی دیگر سازمانهایی می‌باشند که فقط گروه محدودی از دول را در بر می‌گیرند، و ما آنها را "سازمانی بین‌المللی بسته" می‌نامیم. بسیاری از این سازمانها خودشان را به

منطقه خاصی محدود می‌نمایند، مانند سازمان کشورهای آمریکایی (OAS)، سازمان وحدت آفریقا (OAU) و شورای اروپا که در آنها فقط کشورهایی که از منطقه خاصی هستند می‌توانند به عضویت درآیند. سازمان‌های منطقه‌ای معمولاً هدفشان عضویت همه دولی است که متعلق به یک منطقه می‌باشند که جهان به آن تقسیم شده است، مانند اروپای غربی، اروپای شرقی. سازمانهای منطقه‌ای فقط بخشی از یک منطقه را تحت‌الشمول قرار می‌دهند، نظیر بنلوکس (Benelux) یا اتحادیه کشورهای جنوب-شرقی آسیا (ASEAN).

۱۴- در بعضی از سازمانهای بین‌المللی برای عضویت بر روی دول خارج از یک منطقه خاص و نیز بر روی دولتهای خارج از یک گروه خاص بسته است. برای مثال، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) سازمانی است که فقط دول صنعتی می‌توانند به عضویت آن در آیند. همین‌طور سازمان کشورهای صادرکننده نفت اوپک (OPEC) که عضویت در آن فقط به کشورهایی که منبع اصلی درآمدشان از صادرات نفت است، محدود می‌شود.

۱۵- ویژگی مهم سازمانهای بین‌المللی بسته، شخصیت همگون آنها می‌باشد. فقط دولی که منافع یا الگوهای فرهنگی یا سیاسی مشابهی دارند، اعضای این سازمانها هستند. این امر دستیابی به اهداف مشترک و ابتکارات جدید را آسانتر می‌سازد. تحولات جدید در سازمانهای بین‌المللی اغلب در سازمانهای بسته آغاز می‌شود.

## II - سازمانهای بین‌المللی عام در مقابل سازمانهای بین‌المللی عملکردی

۱۶- اکثر سازمانهای بین‌المللی در زمینه مشخص و محدودی فعالیت می‌نمایند. آنها تلاش می‌کنند تا روابط بین‌المللی را گسترش دهند و ابتکارات جدیدی در زمینه‌هایی نظیر مخابرات، هواشناسی، بهداشت، قانونگذاری راجع به کار یا محصول و مصرف کالاهای مختلف بعمل آورند، یا

آنها ممکن است برای اهداف مشابه در سطح منطقه ای تلاش نمایند. از جمله سازمانهای بین المللی عملکردی منطقه ای عبارتند از: موسسه هوایی اروپا (ESA) و بانک توسعه بین الدولی آمریکایی (IADB).

۱۷- تعداد کمی از سازمانهای بین المللی دارای اهداف کلی یا سیاسی هستند. زمینه فعالیت آنها به یک یا چند موضوع خاص محدود نمی شود، و وظیفه آنها ماهیت کلی دارد. این سازمانها می توانند هر موضوعی را تا آنجا که مستثنی نشده است، مورد بحث قرار دهند. این استثنائات ممکن است صریح باشد، مثلاً در مورد شورای اروپا، که در آن موضوعات دفاعی صریحاً مستثنی شده است و یا ممکن است غیر صریح باشد، مانند ملل متحد که نباید موضوعاتی را که صراحتاً در صلاحیت سازمانهای تخصصی می باشند، مورد بحث قرار دهد. در مورد دوم، تقسیم کار توافق شده میان سازمانهای خانواده ملل متحد، مستلزم این است که سازمان عام (ملل متحد) نباید موضوعاتی را که در صلاحیت سازمانهای عملکردی می باشند، مورد بررسی قرار دهد.

۱۸- از آنجا که زمینه فعالیت سازمانهای بین المللی عام وسیع است، هرگز از اختیارات زیادی برخوردار نیستند. این سازمانها می توانند به مسائل گوناگون توجه نمایند و آنها را مورد بحث قرار دهند و راجع به آنها توصیه هایی بنمایند. ولی بندرت ممکن است تصمیماتی اتخاذ نمایند که ماهیت الزام آور داشته باشد. یکی از موارد نادر، اختیار شورای امنیت در اتخاذ قواعد الزام آور راجع به حفظ صلح است.

### III- سازمانهای بین الدولی در مقابل سازمانهای فراملی

۱۹- در بند ۶ متذکر شویم که سازمانهای بین المللی میان دولتها، معمولاً سازمانهای دولتی نامیده می شوند. گرچه قانوناً دولتها اعضای سازمانها می باشند، ولی در عمل سازمانها سبب توسعه

همکاری میان حکومت‌ها می‌باشند. این حکومت‌های دولتها هستند که در زمینه ملی (داخلی) وظایف خاصی انجام نمی‌دهند ولی سعی می‌نمایند تا همکاری را در سطح فرا ملی سازماندهی نمایند. آنگاه آنها تصمیم می‌گیرند تا سازمانهایی برای حل مسائل خاصی در سطح بین‌الدولی تاسیس نمایند. حاکمیت یا اقتدارات فرا ملی به طور واقعی به چنین سازمانهایی انتقال داده نمی‌شود. حکومت‌های دول شرکت کننده در قبال تصمیماتی که اتخاذ می‌شوند، مسوول می‌باشند. آنها سرانجام باید قوانینی را برای تنظیم رفتار اتباع خود وضع نمایند. همچنین در بند ۸ متذکر شدیم که بسیاری از حقوقدانان (و دولتها) بر این عقیده اند که نباید برای سازمانهای بین‌المللی نقشی بیش از نقش آنها در ارتقاء همکاری میان دول قائل شد.

۲۰- در موارد بسیار کم سازمانهای بین‌المللی از اختیارات واقعی فوق‌دول برخوردارند. در اینصورت آنها مسوولیتی در ارتقاء همکاری میان حکومتها ندارند، بلکه قوانینی وضع می‌کنند که در قلمرو دولت عضو قابل اجرا است. ما این سازمانهای بین‌المللی را "سازمانهای فراملی" می‌نامیم. تعریفی از واژه فراملی که مقبولیت عامه داشته باشد، وجود ندارد. آشکارترین ویژگی آن این است که حاکمیت، یا قدرت حکومت از دولت عضو به سازمان انتقال داده شده است. آن بدین معناست که سازمانهای فراملی می‌توانند بدون دخالت حکومت‌های ملی قوانینی وضع نمایند که برای اتباع دول عضو الزام آور باشند. ویژگیهای دیگر آن که این سازمانها می‌توانند با رای اکثریت تصمیماتی اتخاذ نمایند که برای دول اقلیت، الزام آور باشند، همچنین تا حدودی از نظر مالی مستقل می‌باشند و برای اجرای تصمیماتشان از اختیاراتی برخوردارند.

۲۱- سازمانهای فراملی همواره سازمانهای عملکردی می‌باشند. سازمان بین‌المللی که صلاحیت اعمال اختیارات فراملی را به طور کامل یا تقریباً به طور کامل دارا می‌باشد، زمینه آنها کشور فدرال



خواهد بود.

۲۲- تعداد بسیار معدودی سازمانهای فراملی وجود دارند. نمونه بارز آن جوامع اروپایی (EC) است. گرچه برخی از سازمانهای فنی قانوناً فراملی نمی باشند، ولی از اختیارات قوی در زمینه فعالیت هایشان برخوردارند که تصمیماتشان تقریباً قدرت فراملی دارد. عملاً هیچ دولتی قادر نیست که از قواعد فنی مربوط به سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری (ICAO)، سازمان جهانی هواشناسی (WMO)، اتحادیه بین المللی ارتباطات دور (ITU) یا اتحادیه جهانی پست (UPU) سرپیچی نماید.



## II - وضعیت حقوقی

### ۱- شخصیت

الف: صلاحیت اقدام قانونی در حقوق داخلی

۲۳- اساسنامه های اکثر سازمانهای بین المللی مقرر می دارد که یا آنها از صلاحیت قانونی لازم برای اعمال وظایف شان برخوردار بوده، یا دارای شخصیت حقوقی، صلاحیت انعقاد قرار داد، تحصیل و انتقال اموال منقول و غیر منقول و اقامه دعوی می باشند. این بدان معناست که سازمانها در حقوق خصوصی دارای شخصیت حقوقی می باشند و در هر نظام حقوقی آنها باید لاقلاً مساوی با اشخاص حقوقی خارجی تلقی شوند. مقررات مندرج در اساسنامه ممکن است الزامی نباشند. در حقوق بین الملل خصوصی عموماً پذیرفته شده است که اشخاص حقوقی که قانوناً طبق نظام حقوقی خارجی تاسیس شده اند، دارای شخصیت حقوقی می باشند. مشکل می توان پذیرفت که سازمانی که توسط چند دولت بوجود آمده است، در هر نظام حقوقی داخلی نسبت به سازمانی که فقط بوسیله

یک دولت تاسیس شده است، از موضع ضعیف تری برخوردار باشد.

۲۴- در عمل دادگاهها تمایل دارند بپذیرند که سازمانهای بین‌المللی می‌توانند قرارداد منعقد نمایند، اموال کسب نمایند و یا انتقال دهند و اقامه دعوی نمایند، حتی اگر دولتهایشان طرف معاهداتی نباشند که چنین صلاحیت‌هایی را اعطا کرده‌اند.

ب) مسوولیت در حقوق داخلی

۲۵- هنگامی که سازمانهای بین‌المللی قراردادی منعقد می‌نمایند، اموالی می‌خرند و یا می‌فروشند، در قبال قراردادهايشان مانند افراد مسوولیت دارند. اصولاً سازمانهای بین‌المللی در قبال تعهدات غیر قراردادی نیز مسوول می‌باشند. برای مثال این قبیل مسوولیتها ممکن است از تصادفات رانندگی اتومبیل‌های اداری سازمان ناشی شود.

۲۶- با این حال مسوولیت ناشی از تعهدات غیر قراردادی، اغلب ممکن است مسائلی را در رابطه با مصونیت سازمان ایجاد نماید. مانند دولتها، سازمانهای بین‌الدولی از مصونیت قضائی دادگاههای داخلی برخوردارند. در جامعه بین‌المللی پذیرفته شده نیست که دادگاه یک دولت باید راجع به مشروعیت اعمال سازمان بین‌المللی قضاوت کند. بنابراین تعداد زیادی از سازمانهای بین‌المللی یا در اساسنامه‌هایشان و یا در موافقت‌نامه جداگانه‌ای که با دول عضو منعقد می‌نمایند، مقرر می‌دارند که آنها از اعمال صلاحیت دادگاههای داخلی مصونیت دارند. مانند هر مصونیتی، مصونیت قضائی می‌تواند ساقط شود، ولی اثبات مسوولیت سازمان بین‌المللی در نزد دادگاه داخلی غیر ممکن است، چنانچه سازمان از اسقاط مصونیت خود امتناع ورزد، ممکن است خسارت قضایی افرادی که با فعل یا ترک فعل سازمان متضرر می‌شوند جبران نشود.

ج - مسوولیت در حقوق بین‌الملل

۲۷- هنگامی که طبق حقوق داخلی، مسوولیت سازمانی را نتوان اثبات کرد مسوولیت آن می‌تواند براساس حقوق بین‌الملل برای خسارات وارده به افراد ثابت شود. بعضی از سازمانها خود دارای دیوانهایی می‌باشند که می‌تواند مسوولیت سازمان را احراز نماید و به خسارات احتمالی رای دهد (برای مثال دیوان اداری سازمان بین‌المللی کار و دیوان عدالت جوامع اروپایی). چنانچه به این دیوانها دسترسی نباشد، خسارات باید از طریق سیاسی حل و فصل شود.

د - صلاحیت اقدام قانونی در حقوق بین‌الملل

I- کلیات

۲۸- موضوعات سنتی حقوق بین‌الملل دولتها هستند. بتدریج پذیرفته شده است که سازمانهای بین‌المللی نیز تا حدودی از موقعیتی در حقوق بین‌الملل برخوردار می‌باشند، اما این موقعیت اساساً از نقطه نظر دولتها متفاوت است. فرض بر استقلال و تساوی دولتها است: دول همه فعالیتهای خود را براساس حقوق بین‌الملل انجام می‌دهند، مگر آنکه عدم صلاحیت آنها احراز شود. سازمانهای بین‌المللی مستقل و مساوی نیستند، و اختیاراتشان به مواردی محدود می‌شود که صراحتاً در اساسنامه‌های آنها تصریح شده است. فرض بر صلاحیت شان در انجام عمل مطابق حقوق بین‌الملل نیست، بلکه باید در هر مورد اثبات گردد. با تصویب اساسنامه، در واقع دول عضو در اعطای اختیارات به سازمان توافق کرده‌اند. بنابراین اگر اختیارات داده شده، انجام اعمالی توسط سازمانها را در حقوق بین‌الملل در پی داشته باشد معمولاً دولتها حق اعتراضی ندارند. از طرف دیگر دول غیر عضو مکلف به شناسایی هرگونه صلاحیت بین‌المللی مربوط به سازمانهای بین‌المللی نمی‌باشند. در عمل دول غیر عضو اغلب این صلاحیت را صراحتاً یا با برقراری رابطه واقعی با سازمان

می پذیرند.

۲۹. دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) شخصیت بین‌المللی ملل متحد را در رابطه با اعضای آن به چهار دلیل مهم زیر پذیرفته است:

(۱) برای نیل به اهداف ملل متحد، انتساب شخصیت بین‌المللی به غیر قابل انکار است.

(۲) سازمان به ارگانهایی مجهز شده و دارای وظایف خاصی است.

(۳) منشور سازمان، موقعیت دول عضو را در رابطه با سازمان، با درخواست از آن‌ها برای اعطای هر نوع کمک به سازمان و قبول تصمیمات شورای امنیت، اعطای صلاحیت قانونی، امتیازات و مصونیت‌ها به سازمان، مشخص کرده است.

(۴) سازمان وظایف خود را اعمال می‌کند و از حقوقی بهره‌مند می‌شود که فقط می‌تواند براساس برخورداری از شخصیت بین‌المللی گسترده و اهلیت اقدام در سطح بین‌المللی توجیه شود.

۳۰. دیوان صراحتاً نتیجه‌گیری خود را (در پرونده موسوم به جبران خسارات) بیان کرد که ملل متحد یک شخص بین‌المللی می‌باشد که شخصیت حقوقی، حقوق و وظایف آن مشابه شخصیت حقوقی، حقوق و تکالیف یک دولت نمی‌باشد.

۳۱. در همین پرونده دیوان بین‌المللی دادگستری شخصیت بین‌المللی ملل متحد در رابطه با دول غیر عضو را نیز پذیرفت.

۳۲. گرچه همه استدلال‌ات اقامه شده توسط دیوان در این پرونده برای ملل متحد نبوده و برای سازمانهای بین‌المللی دیگر نیز اعمال شده است، ولی قسمت اعظم آن برای ملل متحد بوده است. تحولات پس از ۱۹۴۹ شدیداً مستلزم این بوده است که سازمانهای بین‌المللی براساس حقوق بین‌الملل عمل نمایند. در حال حاضر عموماً پذیرفته شده است که همه سازمانهای بین‌المللی عام

از شخصیت حقوقی بین المللی محدود به زمینه هایی که آنها صلاحیت انجام آنها دارند، برخوردار می باشند. در عمل تقریباً همه سازمانهای بین المللی بر طبق حقوق بین الملل عمل می نمایند. آن ها منجمله موافقت نامه هایی با دولتها و با سازمانهای بین المللی عام دیگر منعقد می نمایند.

## II - حق اقامه دعاوی بین المللی

۳۳- در پرونده موسوم به "جبران خسارات وارده به مامور ملل متحد"، دیوان بین المللی دادگستری می بایست در خصوص اینکه آیا ملل متحد حق اقامه دعوی در حقوق بین الملل را دارد یا نه، تصمیم بگیرد. به عقیده دادگاه: "صلاحیت اقامه دعوی بین المللی، همان صلاحیت توسل به شیوه های عرفی شناخته شده در حقوق بین الملل برای اثبات، اقامه دلیل و حل و فصل دعاوی است. از میان این شیوه ها می توان به اعتراض، درخواست تحقیق، مذاکره و دادن دادخواست برای داوری یا دادگاه و ... اشاره نمود." دادگاه نظر داد که ملل متحد از چنین صلاحیتی نسبت به دول عضو و غیر عضو برخوردار است. بیشتر دلائل دیوان می تواند برای سازمانهای دیگر نیز بکار برده شوند.

## III - صلاحیت انعقاد معاهده

۳۴- سازمانهای بین المللی صلاحیت دارند تا با موضوعات دیگر حقوق بین الملل موافقت نامه هایی منعقد نمایند. بسیاری از این موافقت نامه ها به وضعیت خود سازمان مربوط می شود. این موافقت نامه ها راجع به امتیازات و مصونیتها، وضعیت مقر سازمان و تبادل اطلاعات میان سازمانهای بین المللی است. گاهی سازمانهای بین المللی در موقعیت مشابهی مانند دولتها طرف معاهده هستند. نمونه های آن سازمانهای اقتصادی، نظیر جوامع اروپایی و یا شرکت در موافقت نامه های تجاری یا موافقت نامه های تثبیت قیمت فروش می باشند.

۳۵- تاکنون سازمانهای بین المللی به عنوان طرف معاهدات قانون ساز چند جانبه مانند

کنوانسیون‌های صلیب سرخ، کنوانسیون‌های راجع به حقوق معاهدات و روابط دیپلماتیک و مصونیت‌ها یا معاهدات مربوط به حقوق بشر پذیرفته نشده‌اند.

۳۶- کنوانسیون ۲۱ مارس ۱۹۸۶ راجع به حقوق معاهدات میان دول و سازمان‌های بین‌المللی یا میان سازمان‌های بین‌المللی، با کنوانسیون ۱۹۶۹ مربوط به حقوق معاهدات قابل اجرا میان دولت‌ها که طی کنفرانس دیپلماتیک در وین تصویب شده است، شباهت زیادی دارد.

۳۷- هنگامی که سازمان بین‌المللی و دول عضو آن هر دو طرف یک معاهده باشند، مسائل خاصی ممکن است بروز نماید. چنین موافقت‌هایی که "موافقت‌نامه‌های مختلط" نامیده می‌شوند، غالباً توسط جوامع اروپایی (EC) منعقد می‌گردند، و آن هنگامی است که بخشی از موضوع معاهده در صلاحیت جامعه و بخشی دیگر در صلاحیت دول عضو می‌باشد. همچنین موافقت‌نامه‌های مختلط ممکن است در زمینه کمک‌های مربوط به توسعه اقتصادی بین سازمان و دولتی باشند. بین‌المللی طرف‌های اضافی موافقت‌نامه راجع به توسعه اقتصادی بین سازمان و دولتی باشند. موافقت‌نامه‌های مختلط ممکن است در موارد عدم اجرا مسائلی را راجع به مسوولیت به بار آورند.

### III - حق برقراری روابط دیپلماتیک

۳۸- بسیاری از دولت‌ها اعم از دول عضو و غیر عضو "هیات‌های دائمی" با استوار نامه به سازمان‌های بین‌المللی فرستاده‌اند. ریاست این هیات‌ها را نماینده دائمی که معمولاً عالی‌رتبه است، بر عهده دارد. وضعیت این هیات‌های دائمی مشابه مناصب دیپلماتیک است. به ویژه هیات‌های دائمی در ملل متحد در نیویورک، نقش دیپلماتیک مهمی را برای کشورهای کوچکی که هیات‌های دیپلماتیک در همه کشورها ندارند ایفا می‌کنند، همچنین از هیات‌های نمایندگی خود در ملل متحد برای تماس با دولت‌های دیگر استفاده می‌نمایند. با این حال، نقش معمولی آنها حفظ تماس با دبیرخانه سازمان و

با ارگانهایی که اجلاس دارند، می باشد.

۳۹- هیاتهای دائمی فقط به دبیرخانه سازمان فرستاده می شوند و دولت پذیرنده معمولاً تسهیلاتی مانند مصونیت قضائی، معافیت مالیاتی و استفاده از بسته های سیاسی به این هیاتها اعطا می کند.

۴۰- همچنین سازمانهای بین المللی ممکن است نمایندگانی به دولتها و سازمانهای دیگر بفرستند، و بسیاری از آنها نماینده دائمی در ملل متحد دارند. برنامه توسعه ملل متحد (ENDP) کارمندان ویژه ای (نمایندگان و مدیران مقیم) برای هماهنگی در کمک های مربوط به توسعه به حکومتهای کشورهای در حال توسعه می فرستند. جوامع اروپایی (EC) به چند دولت غیر عضو سفیر فرستاده است. این نمایندگان نقشی شبیه نقش دیپلماتها را ایفا می نمایند و معمولاً به آنها همان تسهیلات و امکانات دیپلماتها اعطا می شود.

#### V- حق شناسایی موضوعات دیگر حقوق بین الملل

۴۱- حق شناسایی موضوعات جدید حقوق بین الملل یکی از حقوق ویژه دولتها است. دولتهای جدید فقط هنگامی که توسط دول دیگر مورد شناسائی قرار گیرند تابعان حقوق بین الملل محسوب می شوند.

۴۲- سازمانهای بین المللی رسماً صلاحیت شناسایی موضوعات جدید حقوقی را ندارند. با این حال در عمل پذیرش یک دولت به عنوان عضو ملل متحد به مراتب از شناسایی آن توسط دول دیگر مهم تر است. به محض این که ملل متحد عضویت دولتی را پذیرفت، عموماً آن دولت یک تابع حقوق بین الملل تلقی می شود. بنابراین در واقع ملل متحد نقش مهمی را در شناسایی دول جدید ایفا می نمایند همچنین سازمانهای منطقه ای در شناسایی دولت جدید به عنوان بخشی از منطقه نقش دارند.

۴۳- شناسایی توسط سازمان بین‌المللی نمی‌تواند جدا از شناسایی بوسیله دولت‌ها قلمداد شود. تصمیمات سازمان بین‌المللی توسط دول عضو اتخاذ می‌شوند و دولت‌ها برای پذیرش عضویت که شناسایی نشده است یا لاقط تمایلی به شناسایی آن نیست، رای نخواهند داد.

## ۲- دوام

### الف- تاسیس

۴۴- معمولاً اساسنامه سازمان بین‌المللی بخشی از معاهده‌ای می‌باشد که در کنفرانس بین‌المللی پیش‌نویس آن تهیه شده است. این معاهده معمولاً وقتی لازم‌الاجرا می‌شود که تعداد تصویب‌کنندگان آن به حد نصاب لازم رسیده باشد. هنگامی سازمان بین‌المللی موجودیت پیدا می‌کند که معاهده حاوی اساسنامه آن، لازم‌الاجرا شده باشد.

۴۵- اعضای که سازمان بین‌المللی را تأسیس می‌نمایند، اعضای مؤسس "یا اعضای اصلی" نامیده می‌شوند. معمولاً وضعیت این دولت‌ها با وضعیت دول عضو دیگر تفاوتی ندارد.

۴۶- اساسنامه سازمان فقط با انقضای مدت زمان قابل توجهی پس از کنفرانس پیش‌نویس، لازم‌الاجرا می‌شود. غالباً دول مؤسس کمیسیون‌های مقدماتی تشکیل می‌دهند که در فاصله زمانی بین کنفرانس پیش‌نویس و لازم‌الاجرا شدن اساسنامه فعالیت می‌کنند. این کمیسیون‌های مقدماتی می‌توانند دبیرخانه‌ای تأسیس کنند و مقدمات اولین اجلاس کنگره عمومی سازمان را فراهم نمایند. هنگامی که در ۱۹۴۸ موافقت‌گردید تا سازمان تجارت بین‌المللی (ITO) تأسیس شود، کمیسیون موقتی به وجود آمد که منجمله "موافقت‌نامه عمومی راجع به تعرفه گمرکی و تجارت (GATT)" که بخشی از سازمان تجارت بین‌المللی بود، را ایجاد نمود. متعاقباً هنگامی که ایالات



متحده از تصویب اساسنامه سازمان تجارت بین‌المللی امتناع ورزید، هرگز این سازمان موجودیت پیدا نکرد، و گات یک بنیاد حقوقی نیرومند تری یافت.

## ب- انحلال

### I- دلایل انحلال

۴۷- به طور کلی دو دلیل برای انحلال یک سازمان بین‌المللی وجود دارد: یا وظیفه سازمان انجام شده است و یا سازمان دیگری وظایف آن را بر عهده گرفته باشد. به ندرت در عمل دوحد افراط و تفریط وجود داشته است. در جایی که وظایف سازمان روشن و محدود است لیکن موفق به امتان تمامی وظایف خود نشده است در صورتی که بتعداد اندکی از وظائف سازمان باقی مانده که به انجام برسد، کشورهای عضو حاضر نیستند که سازمان را با تمامی تشکیلات مختلفی که دارد حفظ کند. سازمان ممکن است با برخی از وظایفی که هنوز باید انجام گردد، منحل شود، در اینصورت این وظایف به یک یا چند سازمان بین‌المللی دیگر انتقال داده خواهد شد.

از طرف دیگر انتقال کامل همه وظایف به سازمان بین‌المللی جدید نیز تقریباً به ندرت اتفاق می‌افتد. اغلب دلیل تاسیس سازمان جدید این است که دول ذیربط می‌خواهند بخشی از وظایف سازمان قبلی را تغییر یا خاتمه دهند. بنابراین تقریباً هر انحلال سازمان بین‌المللی شامل دو جنبهٔ جانشینی و اختتام است.

۴۸- بارزترین مثال از جانشینی یک سازمان بین‌المللی به جای سازمان دیگر، جانشینی ملل متحد به جای جامعه ملل (League of Nations) در ۱۹۴۶ است. گرچه در بسیاری از جهات ملل متحد جانشین جامعه ملل شده، ولی ملل متحد از پذیرفتن همه وظایف سلف خود امتناع کرده است. فقط برخی از وظایف و اختیارات خاص جامعه ملل توسط ملل متحد تعقیب شده

است. براساس توافق این دو سازمان (که اصطلاحاً برنامه مشترک نامیده می‌شود)، ملل متحد بیشتر اموال جامعه ملل را نیز تحویل گرفته است.

## II - طرق انحلال

۴۹- بندرت اساسنامه سازمانهای بین‌المللی انحلال آنها را پیش‌بینی می‌نماید. معمولاً مؤسسين سازمان بین‌المللی مایل به انحلال سازمان نمی‌باشند و نمی‌توانند اوضاع و احوالی که ممکن است سبب انحلال سازمان شود را پیش‌بینی نمایند. بعضی از اساسنامه‌ها اختیار انحلال سازمان را به کنگره عمومی آن تفویض می‌نمایند، و تصمیم مربوط به انحلال معمولاً **مستلزم** رای اکثریت کیفی است.

۵۰- برخی از سازمانهای بین‌المللی برای مدت زمان معینی تاسیس شده‌اند و پس از انقضای آن منحل می‌شوند.

۵۱- گاهی وقتی که سازمانهای بین‌المللی جدیدی تاسیس می‌شوند، در اساسنامه خود یا در سند اضافی دیگر پیش‌بینی می‌کنند که سازمانهای بین‌المللی دیگر منحل می‌شوند. وقتی که فقط بخشی از اعضا صراحتاً چنین انحلالی را بپذیرند، اغلب این امر به انحلال سازمان منتهی می‌شود. چنانچه اعضای دیگر آشکارا مخالفت نمایند استباط می‌شود که آنها نیز موافق انحلال سازمان می‌باشند.

۵۲- بعضی از سازمانهای بین‌المللی با تصمیمات کنگره عمومی شان منحل شده‌اند، حتی بدون اینکه اساسنامه این اختیار را به کنگره تفویض کرده باشد. کنگره عمومی (مجمع) جامعه ملل طی تصمیمی در سال ۱۹۴۶ آن جامعه را منحل نمود. این تصمیم به اتفاق آرا اتخاذ شد، اما فقط ۳۵ عضو از ۴۵ عضو جامعه حضور داشتند. انحلال از طریق کنگره عمومی این فایده را دارد که روش تصفیه

می تواند در همان قطعنامه (تصمیم) اتخاذ شود. کنگره عمومی مناسب ترین ارگانی است که تصمیم می گیرد انحلال سازمان به چه شکلی باید صورت پذیرد.

۵۳- گاهی هم سازمانهای بین المللی صرفاً به دلیل عدم کارایی از صحنه وجود محو می شوند. برای مثال در سال ۱۹۳۶ هنگامی که آلمان از دو کمیسیون بین المللی راجع به "الب" (Elbe) و "اُدر" (Oder) خارج شد، هر دو کمیسیون عملاً در انجام وظیفه متوقف شدند، گرچه اعضای دیگر تمایل به انحلال آنها نداشتند.

### III - نتایج انحلال

۵۴- هنگامی که سازمان بین المللی منحل می شود، معمولاً وظایف باقی مانده اش به سازمانهای بین المللی دیگر محول می گردد. این کار حتی ممکن است بدون انتقال رسمی وظایف صورت گیرد. در سال ۱۹۴۶ ملل متحد سیستم جامعه ملل را به عهده نگرفت و به جای آن سیستم قیمومت را به وجود آورد. با این حال آفریقای جنوبی از انتقال جنوب غربی آفریقا (نامیبیا) به سیستم قیمومت خودداری کرد. اگرچه ادعا می شد که سیستم نمایندگی به دلیل انحلال جامعه ملل، خاتمه یافته است، به هر حال دیوان بین المللی دادگستری مقرر داشت که تعهدات نمایندگی به قوت خود باقی می باشد و مجمع عمومی ملل متحد باید به عنوان مرجعی که اختیارات جامعه ملل به آن واگذار شده است، تلقی گردد، ولو اینکه توافق صریحی در این رابطه وجود نداشته باشد.

۵۵- برخی از اعمال قانونی سازمانهای بین المللی هنگامی که سازمانه منحل می گردند، کان لم یکن می شوند، و اعمال دیگر ممکن است توسط سازمان جانشین پذیرفته گردد، و اثرات این اعمال برای دولتهایی که در سازمان جانشین شرکت نکرده اند، از بین خوانده رفت، درست همانند اعمال سازمانی که قدرت خود را نسبت به دولی که از سازمان خارج شده اند، از دست داده باشد.

۵۶. فقط در خصوص تصمیمات الزام آور سازمان متحد، می‌تواند مسائلی بروز نماید. این تصمیمات ممکن نیست که آثار حقوقی شان را از دست بدهند، هنگامی که سازمان ملل منحل می‌گردد غیرممکن است که آثار حقوقی تصمیمات مذکور از بین برود. آنهایی که سازمان بین‌المللی را به عنوان وسیله همکاری میان دولتها تلقی می‌کنند، تعهد الزام آور را به منزله توافق بین‌الدولی می‌دانند که ممکن است بدون وجود سازمان هم ادامه یابد. کسانی که سازمان بین‌المللی را به عنوان مرجع قانونگذاری مستقل می‌دانند، معمولاً می‌پذیرند که قواعد حقوقی سازمان در نظام حقوقی داخلی دول عضو ادغام شده است. هنگامی که سازمان منحل می‌شود، قواعد حقوقی سازمان ویژگی فراملی شان را از دست می‌دهند، اما آنها به عنوان قواعد حقوقی داخلی باقی می‌مانند. حالت مذکور در صورتی که سازمان بین‌المللی بخشی از وظائف دولتی کشور عضو را به عهده گرفته است اتفاق نمی‌افتد. با انحلال سازمان وظائف مذکور بر عهده دولت عضو قرار می‌گیرد.

۵۷. مسائل خاصی ممکن است برای کارمندان سازمان منحل، بوجود آید. آنها شغل شان را از دست می‌دهند، و نه لزوماً همه حقوق شان را صندوق کارکنان مانند صندوق بازنشستگی ممکن است منحل نشود. این کارمندان باید به سازمان بین‌المللی دیگر منتقل شوند، یا اگر غیرممکن است، آنها به طور مستقل اداره می‌شوند. اغلب سازمان جانشین بخشی از کارمندان را می‌پذیرد، ولی تعهدی برای این کار وجود ندارد.

۵۸. اموال سازمان منحل شده باید میان دول عضو باقی ماند به نسبت سهمشان در کمک به سازمان تقسیم گردد. هنگامی که اموال به سازمان بین‌المللی دیگر انتقال داده می‌شود، ارزش اموال باید ارزیابی شده و به حساب دول عضو سازمان منحل واریز گردد. امر این هنگامی که جامعه ملل منحل گردید عملاً اتفاق افتاد و اموال آن به ملل متحد و بخشی از آن به سازمان بین‌المللی کار انتقال داده

شد. به چهار عضو سابق جامعه ملل که به عضویت ملل متحد در نیامدند (فنلاند، ایرلند، پرتغال، و سوئیس) غرامت مالی پرداخت گردید و سایر اعضاء در ردیف بستانکاران سازمان ملل متحد قرار گرفتند.

### III - وظایف و اختیارات

۵۹ دولت‌ها مراکز حکومت می باشند که برای رفتار بشر قواعد وضع می نمایند. آنها از اختیارات فائده حاکمیت برخوردارند و می توانند تصمیم بگیرند که چه وظایفی به مقامات دیگر تفویض شود. با این حال اجرای بعضی از اختیارات و وظایف توسط دولت‌ها نمی تواند از کارایی چندانی برخوردار باشد. افزایش تماس‌های بین المللی، ازدیاد روابط حقوقی در سطح بالاتر از دولت‌ها را به سرعت به همراه دارد.

مقررات ایمنی کشتی‌ها، هواپیماها، پخش امواج رادیویی، قواعد مربوط به پست بین المللی و هواشناسی جهانی نمی توانند در سطح داخلی تنظیم شوند. این موضوعات و بسیاری از موضوعات دیگر مستلزم تنظیم در سطح بین المللی هستند. سازمانهای عملکردی که ویژگی جهانی دارند برای حفاظت از چنین منافعی بوجود آمده اند. تعداد کثیری از آنها به صورت سازمانهای تخصصی ملل متحد درآمده اند و بدین ترتیب مرتبط با سیستم ملل متحد می باشند. در چهارچوب این سیستم هر سازمان تخصصی خود وظیفه خاصی دارد. همه آنها سازمانهای بین المللی مستقلی با بودجه و عضویت مختص به خود می باشند، و از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی (ECOSOC) ملل متحد کلیه فعالیت‌هایشان را هماهنگ می کنند به وسیله برنامه‌های توسعه سازمان ملل (UNDP)، آنها قسمت اعظمی از کمک‌هایی را که به کشورهای در حال توسعه اعطاء نموده اند

هماهنگ می نمایند.

۶۰. حاکمیت و استقلال دولتها مانع از آن می شود که اختیارات حاکمیت به سازمانهای تخصصی یا سازمانهای عملکردی دیگر انتقال داده شود. با این حال، ضرورت همکاری ایجاب می نماید که در واقع تعداد زیادی از قواعد فنی جهانی توسط سازمانهای بین المللی وضع شوند. گرچه قانوناً دولتها مکلف به پیروی از قواعد سازمانهای تخصصی نمی باشند، ولی آنها مجبور به همکاری با این سازمانها هستند.

۶۱. وظایف سازمانهای بین المللی عام دارای ابهام بیشتر، صراحت کمتر و ماهیت سیاسی می باشند. به طور کلی دولتها بلافاصله احساس نمی کنند که باید از قواعد این سازمانها پیروی نمایند تاثیر و نفوذ سازمانهای عام بیشتر به صورت دراز مدت است. با بحث مکرر پیرامون مسائل، آنها به تدریج موفق می شدند که در خط مشی و سیاست دولتهای عضو تاثیر بگذارند. مهم ترین سازمان بین المللی عام، یعنی ملل متحد، حقوق بین الملل نه با تصویب یک قطعنامه خاص تا حدود قابل توجهی، تغییر داده است. تغییر در افکار جهانی راجع به موضوعاتی نظیر استعمارگری، تبعیض نژادی و حاکمیت بر منابع ملی طی سالیان زیاد در اثر فشار مستمر قطعنامه های مجمع عمومی ملل متحد، تحول یافته است. همچنین خط مشی و سیاستهای شورای اروپائی به تدریج نگرش اروپای غربی راجع به حقوق بشر و بعضی از مسائل فرهنگی را تحول بخشیده است. سازمان وحدت آفریقا (OAU) افکار عمومی را راجع به جنبشهای آزادیبخش و مبارزه علیه تبعیض نژادی (آپارتاید) بسیج کرده است.

۶۲. شورای امنیت ملی متحد تنها ارگان سازمان بین المللی عام است که صالح به اتخاذ تصمیمات الزام آور می باشد. از آنجا که این تصمیمات نمی تواند علیه خواست یکی از پنج قدرت مهم اتخاذ

شوند، لذا تصمیمات الزام آور شورای امنیت در عمل نادر هستند. در تحریک کلی علیه رود زیا و تحریم تسلیحاتی علیه آفریقای جنوبی، هر دو تصمیم به نحو مطلوب - نه هرگز به طور کامل رعایت - شدند.

۶۳- اختیاراتی که به سازمانهای بین‌المللی برای اجرای وظایفشان اعطا می‌شود، متفاوت می‌باشد. بندرت اتفاق می‌افتد که سازمانهای بین‌المللی بتوانند قواعد حقوقی وضع نمایند که برای افراد الزام آور باشد. جوامع اروپائی (EC) می‌توانند در زمینه نسبتاً وسیعی این کار را انجام دهند. سازمان بین‌المللی هواپیمائی کشوری (ICAO) می‌تواند برای پرواز هواپیماها برفراز دریای آزاد قواعد الزام آوری وضع نماید. در اغلب موارد سازمانهای بین‌المللی حق دارند که به اتفاق آراء تصمیماتی اتخاذ نمایند که برای دول عضو الزام آور باشند. اتحادیه بنلوکس (Benelux)، اتحادیه تجارت آزاد اروپائی (EFTA) و بسیاری از شوراهای کار می‌توانند راجع به کلیه وظایفشان، تصمیمات الزام آور بگیرند. سازمان کشورهای آمریکائی (OAS)، اتحادیه اروپای غربی (WEU) و ملل متحد می‌توانند فقط در زمینه‌های خاصی تصمیمات الزام آور اتخاذ نمایند. سازمان اقتصادی کشورهای توسعه یافته (OECD) و (CMEA) می‌توانند تصمیماتی اتخاذ نمایند که فقط برای دولی که به آنها رای مثبت داده‌اند، الزام آور است. امکان اتخاذ تصمیم با اکثریت آراء که برای دول عضو الزام آور باشد، نیز بسیار نادر است. جوامع اروپائی می‌توانند از مهمترین موارد باشند.

۶۴- فرض بر این است که همه سازمانهای بین‌المللی اختیار دارند که به دول عضویشان توصیه بنمایند. حتی اگر اساسنامه سازمان، آن را صراحتاً پیش‌بینی نکرده باشد. با تأسیس سازمان بین‌المللی در واقع دول عضو پذیرفته‌اند که سازمان باید فعالیتی انجام بدهد و حداقل این فعالیت توصیه به دول عضو می‌باشد. با این حال چنین توصیه‌هایی باید محدود به وظایفی باشند که در

صلاحیت سازمان هستند.

۶۵- نوع خاصی از توصیه، بیانیه است. همچنین فرض بر این است که همه سازمانهای بین‌المللی اختیار صدور بیانیه را دارند. از طریق این بیانیه‌ها است که آنها عقیده خود را که قواعد خاص مندرج در بیانیه بخشی از قوانین بین‌المللی می‌باشند بیان می‌کنند. البته بیانیه فی‌نفسه قانونی بوجود نمی‌آورد، بلکه اصول کلی حقوقی یا حقوق عرفی موجود را تأیید می‌نماید. قابل ذکر است که بیانیه‌ها اثر متقاعدکننده قوی‌تری از توصیه‌ها دارند.

۶۶- همچنین به طور کلی پذیرفته شده است که همه سازمانهای بین‌المللی اختیار دارند تا برای پیش‌نویس کنوانسیونها، پیشنهاد بدهند. این بدان معنی است که متن معاهده در سازمان بین‌المللی مورد مذاکره قرار می‌گیرد و برای تصویب دول عضو و گاهی دول غیرعضو نیز مفتوح می‌باشد. فقط با عمل تصویب است که کنوانسیون برای دولت ذیربط به صورت قانون الزام‌آور درمی‌آید.